هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادگر شدند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



برشما ملت قهرمان است که از آرمان شهداء پاسداری کنید.
از سخنان رهبر شهید

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ ۴۴ ۹ حوت ۱۳۹۳ ۹ جمادی الاول ۱۴۳۶ 28 February 2015

وزیر امور خارجه در ضیافت تعارفی با سفرا و دیپلوماتان کشورهای دوست مقیم کابل



■ اندیشه

سه شنبه ۵ حوت محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، در یک گردهمایی تعارفی با تمام سفرای مقیم کابل دیدار کردند. وزیر أمور خارجه در سخنرانی تعارفی خود ضمن خوش آمدید، به سفرا و دیپلوماتان کشورهای دوست مقیم کابل، از همکاری های کشورهای دوست به خوبی یاد نموده و اظهار قدردانی نمود. وزیر امور خارجه ضمن تشریح سیاست خارجی افغانستان و اولویت های که در زمینه وجود دارد، بر روبط نیک دو جانبه و چند جانبهٔ افغانستان با کشورهای دوست تأکید کرد. صلاح الدین ربانی، با تأکید بر این که افغانستان سیاست خارجی خود را مبتنی برمنافع ملی استوار می سازد، برضرورت تأمین صلح و امنیت سراسری و همچنان توسعهٔ اقتصادی و مشارکت همه جانبه با هم پیمانان تأکید کرد. آقای ربانی از سفرای کشور ص۲

ابراز تسلیت و همدردی
به مناسبت حوادث طبیعی اخیر

با اندوه فراوان آگاهی یافتیم که ریزش برفکوچ، جان ده ها تن از هموطنان عزیز مان در مربوطات ولایت پنجشیر گرفته و خانواده های را به سوگ نشانده اند.

پیش از این در روز های گذشته نیز شماری از شهروندان کشور، در ولایت های بدخشان، بامیان، و تخار نیز از اثر سرازیر شدن برفکوچ و همچنان شمار دیگری از اثر جاری شدن سیلاب در ولایت های لغمان و ننگرهار جان داده اند.

جمعیت اسلامی افغانستان ضمن ابراز همدردی با خانواده های قربانیان این حوادث، به جان باختگان بهشت برین و برای بازماندگان شان صبر جمیل استدعا دارد. از ادارات ذیربط دولتی و نهادها و مؤسسات خیریه، می خواهد که در جهت کمک رسانی به بازماندگان قربانیان این حوادث، هرچه زودتر اقدام نموده و همچنان با توجه به تکرار همه سالهٔ این گونه حوادث ناگوار طبیعی، ادارات ذیربط دولتی، تدابیر و اقدامات لازم پیشگیرانه را روی دست داشته باشند.

صلاح الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی و وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان

مذاکرات صلح، امیدها و چالش ها؟
ص۲

باز گشت همه بسوی اوست



مرحومی از بارگاه احدیت رحمت و مغفرت و به بازماندگانش صبر جمیل خواهان است.

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که سید عبدالرزاق مصمم لوی سارنوال پیشین، عضو دادگاه عالی و مشاور حقوقی بانک ملی، در اثر بیماری که عاید حال شان گردیده بود، شام روز پنجشنبه تاریخ ۷ حوت، به رحمت حق پیوست.

جنازهٔ مرحومی پس از ادای نماز جمعه در مسجد جامع حاجی چمن واقع قلعهٔ نجارای خیرخانه با حضور پرشور مردم و اعضای جمعیت اسلامی افغانستان اداء گردید و در تپه بی بی مهرو به خاک سپرده شد.

در مراسم تدفین سید عبدالرزاق مصمم، محترم واصل نور مهمند رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان، با ابراز تسلیت به خانواده و بستگان مرحومی، به نماینده گی از جمعیت اسلامی، روی کارنامه ها، سجایای نیک و کارکردهای وی در جمعیت اسلامی و دوره های جهاد روشنی انداخته، سارنوال مصمم را الگوی تقوی و طهارت خواند.

سارنوال مصمم یکی از اعضای مخلص و صادق جمعیت اسلامی افغانستان بود که عمری را در راه خدمت گزاری به مردم و افغانستان سپری کرد. وفات مرحومی ضایعهٔ بزرگ به خانوادهٔ جهاد و مجاهدین است. جمعیت اسلامی افغانستان به

مراسم فاتحه خوانی مرحوم سید عبدالرزاق مصمم امروز از ساعت یک و نیم الی سه بعد از ظهر، از سوی جمعیت اسلامی افغانستان، در همکاری نهاد ریاست جمهوری و خانوادهٔ مرحومی، در مسجد جامع عیدگاه شهر کابل برگزار می گردد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچۀ اول سرک لیسۀ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارۀ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

از صلح عادلانه استقبال می کنیم

باز صدای صلح با پا درمیانی پاکستان، میان حکومت افغانستان و طالبان با امیدواری کامل رئیس جمهور غنی، سر زبان هاست. هر تلاشی که بتواند صلح پایدار و عادلانه را در کشور به میان آورد، حقوق و دستاوردهای حاصله به معامله گرفته نشود، پذیرفتنی، قابل قدر و به آن خوش بینیم و آن را اقدام نکو می دانیم، اما حکومت باید جانب احتیاط را از دست ندهد.

در این روزها، هردو کشور افغانستان و پاکستان در ارتباط صلح و روابط شان با همدیگر خشنود به نظر می رسند. رئیس جمهور غنی، رسیدن به صلح را بی پیشینه عنوان می کند، پاکستان رسیدن به صلح را "معجزه" می خواند. وزیر داخلۀ پاکستان در ارتباط با رابطۀ کشورش با افغانستان گفته است، "هیچ زمانی بهتر از حالا نبوده" است.

در پی سفرهای پی در پی راحیل شریف رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان و رئیس استخبارات آن کشور به کابل، تلاش های صلح تشدید یافته است. حکومت افغانستان، پیام های هیئت پاکستانی را مثبت و نمایانگر تعهد آنها می داند و با چهره ها و شخصیت های تاثیر گزار بحث و مشورت نموده تأکید داشته، پس ازاین هیچ چیزی در گفتگوهای صلح کشور از چشم مردم افغانستان به دور نخواهد ماند، صلح را نمی توان به طور"پنهانی و دزدانه" تامین کرد. این روند به یک حرکت جدی و سرتاسری نیاز دارد. اما تا هنوز روشن نیست که رئیس جمهور غنی و رهبران نظامی پاکستان به چه توافقی دست یافته اند و اشرف غنی از کجا به این باور رسیده است که پاکستان صادقانه در پروسۀ صلح با افغانستان همکاری خواهد کرد. و اینکه طالبان بدون پیش شرط چگونه به این پروسه تن داده اند، پرسش هایی است که پاسخ های واضح، روشن و عملی می طلبد.

بدون تردید راه صلح در کشور، راهیست که فراز و فرودهای را در قبال خواهد داشت، اما تلاش ها و نقش کشورهای منطقه، همسایه و کشورهای اسلامی می تواند -در گفتگوهای صلح به رهبری افغان ها- در خشکانیدن ریشه های خشونت و تروریزم کمک نماید.

بعد از تشکیل دولت اسلامی تا حال روی هر عاملی، پاکستان توجۀ چندانی در آوردن صلح و ثبات در افغانستان نداشته است. بارها سران هردو کشور با هیئت های بلند پایه به کشورهای یکدیگر سفرهای به منظور آوردن صلح، تحکیم روابط بین کشورهای شان داشته اند، اما به زودی روابط تیره گردیده و یکی در متهم کردن دیگری برآمده اند. در حالی که نقش پاکستان در آوردن صلح در افغانستان مهم و کلیدی خوانده می شد که شهید صلح استاد ربانی نیز گفته بود: "هرگاه پاکستان بخواهد، تلاش های صلحجویانۀ ما به نتیجه خواهد رسید..."

امیدواری بر این است کشور همسایۀ جنوبی ما با نفوذی که بر مخالفین مسلح دولت افغانستان دارد صادق به تعهد هایش در ارتباط صلح بوده باشد. و خواستار حمایت و همکاری پاکستان از روند صلح می باشیم تا این همکاری بتواند به تقویت و بهبود هرچه بیشتر صلح که در برگیرندۀ تأمین امنیت و ثبات در کشورماست، کمک نماید.

جمعیت اسلامی افغانستان که صلح را نیاز مبرم و ضروری مردم افغانستان، منطقه و جهان بشریت قلمداد می نماید. از دولت، کشورهای همسایه، کشورهای ذی نفوذ، نهادهای صلحخواهانه و مخالفان مسلح دولت می طلبد تا دلسوزانه در این امر خیر، یاری رسانند. تا شاهد یک کشور فارغ از جنگ و درگیری باشیم. بدون تردید، امنیت و صلح، زمینه ساز پیشرفت و ترقی و آرامش کشور و مردم افغانستان می باشد.

مذاکرات صلح
امیدها و چالش ها؟

■ وحید مژده

بدنبال سفر اخیر جنرال راحیل شریف لوی درستیز و رضوان اختر رئیس استخبارات نظامی پاکستان، شایعاتی در مورد امکان مذاکرات صلح با طالبان بگوش می رسد. بدنبال این سفر، رئیس جمهور غنی شخصیت های مطرح کشور را در جریان مذاکرات که قرار است در آیندۀ نزدیک با وساطت پاکستان با طالبان صورت گیرد قرار داد و به مردم نیز وعده داد که مذاکرات صلح در خفا صورت نخواهد گرفت، داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیۀ حکومت وحدت ملی نیز طی سخنانی، قریب الوقوع بودن این مذاکرات را تائید نمود.

از طرف دیگر رئیس جمهور غنی از احزاب و جریان های سیاسی در کشور نیز تقاضا نمود تا نظریات خود در مورد صلح را به ریاست جمهوری بسپارند تا در مذاکرات صلح درنظر گرفته شود.

همزمان با این جریانات، رقابت بعضی از شخصیت های کشور برای رسیدن به مقام ریاست شورای عالی صلح شدید تر شده است. بعد از اینکه صلاح الدین ربانی رئیس قبلی شورای عالی صلح، وزیر خارجه تعیین گردید، این کرسی نیز مانند بسیاری از پُست های دیگر دولتی، توسط سرپرست اداره می شود. از جانبی هم گفته می شود که شاید در ترکیب این شورا تغییراتی وارد آید و مذاکرات با طالبان توسط شورایی با ترکیب کوچکتر صورت گیرد.

از جانب دیگر طالبان نیز برای نخستین بار در موقف شان تاحدی نرمش به نمایش گذاشتند و برخلاف سابق که هرگونه تماس در مورد صلح را رد می کردند، این بار خاموشی پیشه کردند و طی یک اعلامیۀ رسمی فقط به این نکته تاکید نمودند که هرگونه خبر در مورد مذاکرات صلح که از جانب سخنگوی رسمی آنان مورد تائید قرار نگرفته باشد، از نظر آنان قابل تائید نیست و از رسانه ها خواستند تا در نشر چنین اخبار دقت نمایند.

طالبان قبلاً هیئتی به منظور مذاکره به چین فرستاده بودند تا موقف خویش در مورد صلح را به اطلاع بیجنگ برسانند. به همین دلیل شایعات زیادی در مورد نقش احتمالی چین در مذاکرات صلح افغانستان بگوش رسید. جالب است که در مقاله ای در یکی از سایت های انترنتی طالبان نیز، نقش چین در پروسۀ صلح مثبت ارزیابی شده است.

اما در افغانستان بیشترین توجه به نقشی است که قرار است پاکستان در این جریان بازی نماید. این باور که طالبان حربه ای در دست پاکستان اند و از خود هیچ اراده ای ندارند موجب شد تا حکومت وحدت ملی به یک سلسله خواست های پاکستان از جمله تجدید نظر در رابطه با هندوستان جواب مثبت بدهد.

درحالیکه خوش بینی هایی در مورد آغاز مذاکرات صلح بمیان آمده است اما هنوز مشخص نیست که این مذاکرات در کجا صورت خواهد گرفت. تاکید طالبان اینست که این مذاکرات باید در قطر صورت گیرد اما پاکستان از همان ابتدا با ایجاد دفتر طالبان در قطر مخالف بود و می خواست این دفتر در یکی از کشورهای دیگر مثلاً عربستان سعودی، ترکیه و یا امارات متحدۀ عربی باز شود. این مسئله موجب شد تا امریکا نیز در مورد نقش این دفتر در پروسۀ صلح دچار تردید گردد و سیاست خود را در قبال دفتر قطر تغییر دهد در حالیکه ملا محمد عمر رهبر طالبان در پیام های خود به مناسبت های مختلف، دفتر سیاسی طالبان در قطر را یگانه آدرس برای مذاکرات صلح خوانده است.

در مذاکرات میان پاکستانی ها و اشرف غنی، به نظر می رسد که پاکستان این شرط خود را بر جانب افغانستان تحمیل کرده است که محل مذاکرات باید کشور دیگری غیر از قطر باشد و به همین دلیل دولت افغانستان هم تاکید به مذاکرات در جای دیگر غیر از قطر دارد. این مسئله می تواند مایۀ اختلاف در آغاز مذاکرات باشد.

اگر محل مذاکرات مشخص گردد، خواست طالبان چنین گفته می شود که، در قدم اول باید مذاکرات با امریکا انجام گیرد تا موضوع خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان یقینی گردد. بعد از برداشته شدن این قدم، مذاکرات بین الافغانی آغاز خواهد شد. با توجه به این شرط، اگر مذاکرات با امریکا به نتیجه نرسد و همانگونه که اشتون کارتر وزیر دفاع جدید امریکا گفت، در برنامۀ خروج بازنگری صورت گیرد، تاثیر آن بر مذاکرات بین الافغانی که بعد از مذاکره با امریکا باید صورت گیرد، چه خواهد بود؟ طالبان سفر وزیر دفاع جدید امریکا به افغانستان را مانعی در راه صلح خوانده اند.

اگر فرض کنیم که این مرحله با موفقیت سپری گردد، در قدم بعدی یعنی مذاکرات بین الافغانی خواست اصلی و بنیادی طالبان چه خواهد بود؟ آیا خواست اولی و اصلی آنها تقسیم کرسی های کابینه و مشارکت در قدرت است؟ موقف آنان در مورد قانون اساسی چیست و چه برخوردی با حقوق زن خواهند داشت؟

طالبان این مسئله را مشخص ساخته اند که تطبیق شریعت در کشور خواست اصلی آنها بوده و هرگز برسر این خواست معامله نخواهند کرد. نظر طالبان اینست که باید همه مسایل در مذاکرات صلح بر بنیاد شریعت حل گردد.

در این رابطه مشکل بزرگ، سابقۀ تند روی های طالبان و قرائت آنان از شریعت است و بنا براین بخش بزرگی از مذاکرات صلح باید توسط علمای دین از هردو طرف پیش برده شود تا دو طرف بر سر این موضوع به نتیجه برسند. بعد از توافق روی این مسئله، مسایل بعدی یعنی چگونگی تقسیم قدرت و سایر مسایل مورد بحث قرار خواهد گرفت. وقتی بعضی ها ابراز نظر می کنند که این مذاکرات در سه دور در سه کشور و در کوتاه مدت به نتیجه خواهد رسید، ناشی از عدم درک آنان از خواست های اصلی طالبان است.

هرچند خوشبینی های زیادی در مورد امکان حل مشکل جنگ در افغانستان از راه مذاکره بمیان آمده است اما بسیاری به این باور اند که پیشرفت در مذاکرات و رسیدن به صلح تا حد زیادی مربوط به نیت پاکستان است که تا کدام حد حاضر است صادقانه در پروسۀ صلح همکاری نماید.

اما نباید فقط صداقت در این امر از جانب پاکستان را یگانه عامل گره گشای حل این مشکل دانست. روی صداقت پاکستان در طول چندین سال آنقدر تاکید صورت گرفته که موضوع مهم دیگر یعنی میزان نفوذ و ظرفیت پاکستان بر طالبان کاملاً به فراموشی سپرده شده است. حتی امریکا نیز از پاکستان خواسته است تا در این پروسه صادقانه عمل کند.

اما این حقیقت را باید در نظر داشت که یک کشور می تواند در کشور دیگر با استفاده از نا رضایتی گروهی از مردم، از راه دادن سلاح و پول به ایجاد بحران بپردازد و از بحران آفرینی بعنوان حربۀ فشار علیه کشور دیگر به نفع خود استفاده نماید اما کمک در جنگ الزاماً به معنی نفوذ کشور کمک دهنده در صلح در حدی نخواهد بود که آن گروه را وادار به خودکشی نماید. بخصوص در مورد گروه های ایدئولوژیک چنین نفوذ مشکل تر است.می توان گفت در طول چندین دهه جنگ در افغانستان، هیچگاه نیت و توان پاکستان در تحقق صلح در افغانستان اینگونه در معرض آزمون قرار نگرفته است. این مذاکرات که دولت افغانستان مدعی است از اوایل مارچ آغاز خواهد شد نشان خواهد داد که آیا پاکستان به وعده های خود به حکومت وحدت ملی عمل خواهد کرد و مشکل جنگ در افغانستان حل خواهد شد؟

وزیر امور خارجه در ضیافت تعارفی...

های دوست مقیم کابل خواست، جهت حل چالش های موجود از فرصت های پیش آمده درست حسابی استفاده نمایند، تا افغانستان به عنوان کشور مستقل، به عنوان عضو فعال و مسؤولیت پذیر جامعۀ بین المللی در قلب آسیا با تمام جهان پیوند نیک داشته باشد. در ضمن سفرای کشورهای مقیم از ابتکار وزیر امور خارجه، قدردانی نموده وعدۀ همکاری های دوام دار را نمودند.

همچنان وزیر امور خارجه با چندین تن از مقامات خارجی از جمله سفیر کشور فنلاند، معاون سفیر ترکیه، شخصیت های ملی محترم استاد عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، امان الله گذر وکیل مردم در مجلس، علماء و جوانان ولایت های بادغیس، بدخشان، پروان و اعضای شورای انسجام کابل، طی هفتۀ گذشته دیدارهای جداگانه داشتند.



میدان هوایی قاهره (سال ۱۹۶۳ میلادی)

اجلاس مکه و طرح تشکیل جبهۀ واحد اسلامی مبارزه با تروریزم

تکساری

به روز یکشنبه چهارم حوت (۲۲فبروری۲۰۱۵م) همایش (اسلام و مبارزه با تروریزم) به دعوت سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی، در مکه برگزار گردید. در این همایش در حدود ۴۰۰ تن از علمای دینی و اندیشمندان سراسر جهان شرکت ورزیده بودند.

در این کنفرانس بین المللی پادشاه عربستان سعودی خواستار تشکیل یک سازمان و نهاد اسلامی برای مبارزه با تروریزم گردید؛ زیرا تروریزم چهرهٔ اسلام را خدشیه دار ساخته است. پادشاه سعودی تاکید ورزید، که امت اسلام از سوی تروریزم به گروگان گرفته شده و از نام اسلام در کشور های اسلامی و غیر اسلامی جنایت های بزرگی صورت می گیرد و این گروه همه روزه دست به تخریب ارزش های اسلامی می زنند و برای مردم خون و آتش و بی باوری به آیندهٔ شان به وجود می آورند.

جای تعجب این است، این گونه جنایات بشری به نام اسلام و تحت پرچم اسلام صورت می گیرد. وی گفت، در مبارزه با تروریزم با تمام قوا تلاش خواهد کرد و از دستگاه های امنیتی کشور های اسلامی خواست تا ریشه های افراط گرایی را در کشور های شان خشک سازند.

وی اصرار ورزید که با همه کشور های اسلامی در جهت مبارزه با تروریزم، مبارزه و همکاری خواهد نمود و از امت اسلامی خواست برای برپایی مذاکرات میان خود وارد عمل شده و در این مورد از خود فوریت نشان دهند. وی گفت: با وجود تلاش ها برای نابودی تروریست ها، این گروه به اعمال تروریستی در منطقه و کشور های اسلامی ادامه می دهند و این امر موجب نگرانی کشور های اسلامی گردیده است. باید با تروریزم با قاطعیت مبارزه کرد و



کشوری سعودی مسوولیت خود را در این رابطه درک نموده است.

پادشاه سعودی از طرح یک برنامهٔ فرا گیر در برابر تروریزم خبر داد و از کشور های اسلامی خواست تا سطح آگاهی خود را در مورد شناخت این گروه بالا برده و از خطرات تباه کن این گروه طرح های عملی و مشخص را رویدست گیرند. مبارزه با تروریزم همکاری های مشترک کشور های اسلامی و غیر اسلامی را ایجاب می کند.

به گزارش خبر گزاری رسانه ها، از سوی دیگر عبدالله بن المحسن ترکی دبیر انجمن جهان اسلام تصریح کرد: امید است، این کنفرانس برنامه و طرح های عملی را در برابر تروریزم در دنیای اسلام و خارج از اسلام رویدست گیرند.

در این کنفرانس روی شش محور اصلی بحث و گفتگو صورت گرفت و این محور های ششگانه در برابر تروریزم تشخیص گردید، این محور ها شامل: مفهوم تروریزم، علت های ایجاد تروریزم، عوامل اجتماعی و اقتصادی ایجاد تروریزم، عوامل تربیتی، فرهنگی و رسانه یی تروریزم، منافع منطقه یی و جهانی و پیامد های تروریزم می گردد.

در این کنفرانس نماینده گان ارشد خط مقدم جبهۀ مبارزه با داعش از کشور های خاورمیانه، کشور های اسلامی و عربی حضور به هم رسانده بودند و این نماینده گان سلسله نظرات خود را پیرامون این جریان تکفیری که مدارس و دانشگاه های اسلامی را نشانه گرفته و آنها را با یک چنین افکار ناشیانه نشانه خود، مسموم می سازند، ارائه داشتند.

یک چنین طرح های مشترک از سوی کشور های اسلامی در شرایطی ایجاد می گردد، که در این اواخیر داعش امیر تازه برای شهر های مقدس مکه و مدینه تعین کرده و کشور عربستان سعودی و دنیای اسلام را نگران ساخته است. کشور شاهی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴م مبلغ یکصد میلیون دالر را به عنوان کمک به مرکز ضد تروریزم سازمان ملل اختصاص داد و این کشور امروز یکی از ارکان مبارزه در برابر تروریزم و داعش قرار گرفته است.

همکاری عربستان سعودی با سایر کشور ها که در برابر داعش می جنگند، یکنوع بازگشت این کشور را در مبارزه با افراط گرایی نشان می دهد. امریکا در سال ۲۰۱۰م عربستان سعودی را بزرگترین تامین کنندهٔ مالی تروریست های سنی در جهان معرفی نموده بود. تغییرات سیاسی که در مرز های این کشور به وجود آمده است، کشوری شاهی سعودی را آسیب پذیر ساخته است.

بدون شک تصرف حوثی ها بر پایتخت یمن و قوت گرفتن مخالفان حکومت بحرین پیام خوش برای کشور شاهی عربستان سعودی نخواهد بود. امروز عربستان سعودی در رهبری مبارزه با افراط گرایی و داعش در راس کشور های اسلامی قرار گرفته است و یکی از پایه های ائتلاف بین المللی در برابر مبارزه با گروه داعش قرار دارد. این کشور تلاش دارد تا جبهۀ مشترک کشور های اسلامی؛ به ویژه خاورمیانه را به وجود آورد تا یکجا و با یک طرح مشترک در برابر گروه های داعش برزمند.

په مشرتابه او انسان سازي کې د نبوي سيرت ونده

خلويشتمه برخه

ژباړه: اجرالدين اقبال

11_ناسته پاسته او ملګرتوب:

د ژوند چاپېريال د انسان پر کړو وړو خورا اغېز لري؛ځکه هر انسان د هغو انسانانو تر اغېز لاندې راځي،چې ورسره ناسته پاسته کوي.

کېدای شي د يوه ګناهکار انسان د سمونې ورومبی شرط د فاسد چاپېريال او نااهله ملګرو بدلول يې وي.

پيغمبر اکرم په لاندې روايت کې دې حقيقت ته زموږ پام را اړولی:

حضرت ابوسعيد خدري (رض) روايت کړی چې د خدای استازی وايي: ((په تېرو امتونو کې يو د نهه نوي کسانو وژونکي ژوند کاوه؛ يوه ورځ يې خلک وپوښتل:ددې سيمې تر ټولو پوه څوک دی،چې د توبې په اړه ورسره مشوره وکړم؟ خلکو ورته يو زاهد ور وښود. ورغی او ورته يې وويل: ما نهه نوي کسان وژلي؛آيا د توبې لار مې شته؟ زاهد ورته منفي ځواب ورکړ او د زاهد په وژلو يې د مړيو شمېر سلو ته ورساوه.بيا يې د سيمې د يوه پوښتنه وکړه، چې پته يې ورکړ شوه. قاتل ورغی او ورته يې وويل:ما سل کسان وژلي؛آيا زما د توبې څه لار شته؟ عالم ورته وويل:ولې! څوک دې د توبې مخه نيوای شي؟ پلانۍ سيمې ته ولاړ شه، هلته څه خلک دي،چې د خدای پر عبادت بوخت دي،ته هم ورسره پر عبادت بوخت شه او زما که مني او بيا خپلې سيمې ته راستون نه شې،چې ډېره بده سيمه ده.))

12_ د خلکو تېروتنې سمې کړئ؛خو نوم يې مه اخلئ:

چې کله يو شاګرد تېروځي؛نو تکړه روزونکي ته پکار دي،چې ورته ووايي:کار دې سم نه و او بيا يې و نه کړې. دا کار يوازې څېړنې ته اړتيا لري او د ګناهکار نامه راوړو ته اړتيا نه لري،چې په دله کې يې نوم اخستل لاندې ناوړه اغېزې لري :

الف_نوم بدي او په زړه کې کينه پيداکېدل.

ب_کېدای شي شاګرد د خپلې ګناه د ناڅيزه ښوولو او خپل ځان د ګناه له پړې ساتلو لپاره،د نورو نيمګړتياوې هم را برسېره کړي.

ج _ شاګرد خړ او خجل شي او ژوند پرې تريخ شي .

پيغمبر اکرم به د ځينو هغو کړنو په اړه خپلو يارانو ته خبرې کولې،چې اصلاً ګناه به وه؛خو د ګناهکار نوم يې نه اخسته.

ام المومنين عايشه بي بي وايي: ((يوه ورځ پيغمبر اکرم يو کار وکړ او اجازه يې ورکړه،چې نور



هم دا کار وکړي؛خو ځينو ددې کار پر نامشروعيت ګروهمن وو او و يې نه کړ. چې دا خبره رسول اکرم ته ورسېده؛نو مسلمانان يې راټول کړل او د خدای تر ستاينې وروسته يې وويل: څه شوي، چې ځينو له هغه کړنې ډډه کړې،چې ما په خپله کړې وه؟ پر خدای قسم ! چې زه تر هغوی پر دين ښه پوهېږم او له الهي عذابه هم ډېر وېرېږم))

وګورئ:(صحيح بخاري؛کتاب الادب او هم: صحيح مسلم ؛کتاب الفضايل)

او حضرت عبدالله بن مسعود (رض) ته يې وويل:

((د مسعود زويه ! تر هغوی مه اوسه،چې پر خلکو سختي کوي؛خو پر ځان يې اسان ګڼي))

او پر هغې دلې يې نېغ په نېغه نيوکه ونه کړه،چې د جماعت لمونځ يې پرېښی و؛خو د يوې وينا په ترڅ کې يې خبر کړل: ((منافقانو ته تر ټولو درانه د سهار او ماسخوتن لمونځونه دي او که ددې لمونځونو له فضيلته خبر شي؛نو که پښې يې هم نه درلودای؛ځانونه به يې په خاپوړو لمانځه ته رارسول))

13_ د واقعيت له مخې وړانديزونه:

د روزونکي خبره بايد موخيزه،حکيمانه او د سمو تجربو پر بنسټ وي او د پيغمبرانو خبرې هم داسې وې؛نو ځکه يې په زړه کې ځای پيدا کاوه.

له حکمته ډکه خبره لنډه خو ښه وي،چې يادول يې اسان وي. د پاک نبي ټولې خبرې له حکمته ډکې وې؛لکه:((مرګ انسان ته کافي نصيحت دی.)) ((له دې درې کړنو يو هم انسان ته ګټور نه دی؛شرک،د مور و پلار سپکاوی او له جهاده تېښته.)) ((د علم زکات دادی چې ناپوه ته يې وښيي.))

14_ شخصي لارښوونه:

مطلب دادی،چې روزونکی ځينو شاګردانو ته ځانګړې روزنه ورکړي او يو لړ وګړنی لارښوونې ورته وکړي؛البته ځيني عالمان د روزنې دې دود غاړه نه ږدي؛خو حقيقت دادی،چې دا لار د انسان د روزنې مهمه لار ده؛خو پر دې شرط چې روزونکی ترې په مناسبو وختو کې ګټه واخلي او که داسې و نه کړي؛نو نه يوازې ګټه به ونه لري؛بلکې تر ګټې به يې تاوان هم ډېر وي.

د خدای استازي هم له خپلو محدودو اصحابو سره له دې دود کار اخسته، چې روحي چمتووالی يې درلود؛لکه حضرت "عبدالله بن مسعود"(رض) ته يې ځانګړې روزنه ورکړې وه او په يوه سپارښتنه کې يې ورته وويل:

(الف)_ ((د مسعود زويه ! کوښښ وکړه،چې ټولې کړنې دې پر پوهه او عقل ولاړې وي او څه په پټو سترګو څه مه کوه))

ب_ او حضرت "ابوذر" (رض) ته يې وويل ((ابوذره ! خدای اهل بيت زما په امت کې "د نوح بېړی" او د بني اسرائيلو د ښښني "وره" ته ورته کړي؛نو که څوک پرې وروختل؛نو ژغورل شوی به وي وي او که چا ترې مخ واړاوه؛نو هلاک به وي))

وګورئ: بحارالانوار : ۷۷. / ۱۱۰ او ۷٤ مخونه

ګرانو لوستونکيو! څه مو چې په دې څېرکي کې ولوستل،د پيغمبر اکرم يو لړ طريقې او قاعدې وې،چې خپل ياران يې پرې روزل او د غوره والي مهم دليل يې دادی،چې مؤمن او مخلص مسلمانان يې وروزل.

ادامه لري

تفاوت میان علم و ادبیات

□ عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل

بخش نخست

کلام یک سخن شناس، مانند گفتار عادی مردم نیست. سخنان شاعر و سخن شناس با پوشش های زیبایی و هنری همراه می باشد. سخنان شاعر و نویسنده از نوع سخنان مردم عامه بوده نمی تواند زیرا نوع نگاه آنها با سخنان عادی و معمولی یک سان نمی باشد.

درک و فهم انسان عادی از یک انسان شاعر و نویسنده در یک موضوع ولو کوچک بوده باشد، متفاوت می باشد. وقتی شاعر در ساحلی می نشیند، صدای آب را احساس می کند و بانگ شیون دریا را می شنود و حس می کند. از نظر شاعر گویا یک نوع جنگ و ستیز میان موج ها و ساحل وجود دارد. شاعر با چشمی به نرگس می نگرد که دیگران نمی توانند با آن چشم آن را ببینند. در حقیقت شاعر در یک چشم، با همهٔ چشم ها شریک است، و چشم دیگر مخصوص شاعر است که از نرگس تصویر می کند. چراغ نرگس، خرام نرگس مربوط به چشمی است که شاعر آن را به تصویر می کشد، همچنان خرام و حرکت لاله.

واژه ها در دست شاعر و ادیب مانند خشت های یک تعمیر است که مهندس از آن بنای شکوهمند می سازد. نویسنده، گل بابونه را به راهبه یی مانند می کند. این تصویر شامل دو حالت می باشد. از یک طرف شرم و لطف و از طرف دیگر حشمت و وقار. وقتی یک ادیب و شاعر انسانی را کور توصیف می کند، منظورش این است که در این دهان کلمات آرام و قرار ندارد و همواره در لغزش می باشد و یا سخنانی که از این دهان بیرون می آید و شایسته نمی باشد.

نویسنده و شاعر القاء کنندهٔ مفاهیم، اندیشه ها، عواطف و همه چیز هایی است که به ذهنش می آید و تفاوت ادبیات و موسیقی در همین زاویه خلاصه می شود. موسیقی به طور مستقیم و بدون نیاز به شناخت آن بر ما اثر می گذارد. آنچه را ادبیات با واژه ها بیان می دارد، موسیقی آن را با آهنگ بیان می کند و لذت بردن از موسیقی نیاز به داشتن و شناخت آن ندارد. اما در ادبیات درک اندیشه ها و عواطف مهم است که در ذهن نویسنده می گذرد؛ زیرا شاعر و نویسنده با ما سخن می گوید و ما در سایهٔ فهم عواطف آن خود را تغذیه روحی و نفسی می نمائیم. این تغذیه هرچند روانی و عاطفی است؛ اما اندیشه و عقل نیز در آن سهیم است. ادبیات زبان اندیشه، خرد و تفکر نیست، بلکه نمایشگاه حس و عاطفهٔ انسانی است. از همین رو از ادبیات انتظار بیان حقایق خشک عقلی برده نمی شود، هرچند مطالب عقلی فراوان در آن وجود دارد، ولی از ضروریات آن نیست.

وظیفهٔ ادبیات ارائه و بیان حالت ها و کیفیت های عاطفی است. وقتی شاعر و هنرمند شاد است، با همه آفرینش سر سازش دارد. در این صورت همه کس بر وی می خندد و با او نجوا می کند، اما وقتی شاعر و هنرمند افسرده است، در این صورت تمام طبعیت با وی دشمن است. زنده گی با وی و غم هایش نیش خند می زند. ستاره ها به تلخی نگاه اش می کنند و گویا همه هستی برایش رو ترش کرده است؛ در حالی که هیچ چیز عوض نشده است، مگر شاعر و نویسنده و واقعیت هایی ذهنی او تغییر کرده است. از این زاویه ادبیات رابطه و پیوند چندانی با حقایق عقل ندارد.

ادبیات فقط دریافت حس و عاطفهٔ درونی است و نمی خواهد گزارشگر وقایع، راست، دروغ و حق و باطل باشد. تفاوت علم و ادبیات از همینجا خلاصه می شود. وقتی گفته می شود زمین کروی است، این جمله بر اساس معنی ای که دارد بر کروی بودن زمین دلالت دارد و باید راست و دقیق باشد. این جمله یک حقیقت است که در آن اشتباهی در کار نیست. عبارت های ریاضی نیز تعبیر کنندهٔ علوم انسانی است. وقتی گفته شود دو به اضافهٔ دو مساوی چهار است، این عبارت ریاضی دقیق و درست است که ارزش آن در راستی آن است. ولی اگر گفته شود نتیجهٔ دو به اضافهٔ دو پنج می باشد، این جملهٔ ریاضی غلط است و در آن صورت راستی وجود ندارد؛ زیرا ارزش آن بستگی به انطباق آن با واقعیت است. چون انطباق وجود ندارد، بناء دارای ارزش نمی باشد.

یک چنین موضوع در ادبیات وجود ندارد. یک اثر ادبی ممکن است خرافهٔ محض باشد، مانند داستان های هزار و یک شب، خدایان یونان و برخی از داستان های فردوسی که بر اسطوره استوار می باشد. این ها کمترین آسیبی به ادبیات نمی رساند. بزرگان و ادب شناسان ما به این موضوع آگاه بوده اند، طوریکه گفته اند: "خیر الشعراء اکذبه" — شعر هر چه دروغتر زیباتر. منظور از دروغ در این جا بحث علم و منطق نیست، بلکه هدف از شعر راست گفتن و واقع نگاری نیست. شعر جدا از این ها است. سرشت شعر و ادبیات و واقعیت های عقلی و منطقی که بنیادش بر راست بودن است، تفاوت دارد. باید گفت که راست و دروغ دو مقولهٔ اخلاقی است و ادبیات در ماهیت پیوندی با اخلاق ندارد و گرنه مانند این خواهد بود که در مسایل ریاضی ص۷

بررسی فرایند نوستالژی در شعر استاد خلیلی

نوستالژی "غم غربت"



عبدالقیوم ملکزاد

با توجه به تعاریف و مولفه هایی که از مفهوم نوستالژی در کتب و مقالات تحقیقی ارائه شده، می توان به این نتیجه دست یافت که اصطلاح یاد شده همواره، خصوصاً در چند دههٔ اخیر حیات مردم کشور، بالاخص در محتوای کلام و شیوهٔ بیان شاعران، یعنی گروهی که عمدتاً متأثر از فضای سیاسی و اجتماعی و تغییر زندگی پیرامون خود اند، بازتاب گسترده یی داشته است؛ که بعداً به عوامل و انگیزه های آن خواهیم پرداخت.

نوستالژی(Nostalgia) چیست؟

نوستالژی واژه یی است فرانسوی، دارای ریشهٔ یونانی و به معنای غم غربت می باشد که از دو سازه ترکیب یافته: (nostos) به معنی بازگشت به خانه و algos به معنی رنج و درد.

برخی این احساس درد و رنج روحی را معادل می دانند با خاطره انگیز بودن پاره یی از روزگار دلپذیر، خوشی زا و مورد پسندی که انسان با آن سر و کار داشته و در فضای دلانگیز آن می زیسته و یا بنا به تعریف »آکسفورد :«نوعی [احساس] دلتنگی می باشد که از دوری طولانی از زادگاه منشاء می گیرد و به قول مولانا:

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

و این احساس را می توان "تقابل زمان حال" با "حسرتِ گذشته های شیرین" نیز قلمداد کرد. البته بحث آن - طوری که دکترعلی نوری برآن است- " از چهارچوب غم و غربت و دلتنگی های دوری از وطن [نیز] فراتر رفته، توسعهٔ معنایی پیدا کرده، تا جایی که امروز در معنای هرگونه یاد کرد دلتنگ وار و حسرت آمیز در گذشته، اعم از گذشتهٔ تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اخلاقی در آثار ادبی به کار می رود."

نوستالژی با خاطره پیوند مستقیم دارد. داشتن خاطره از زندگی یک امر طبیعی می باشد. همانگونه که نمی توان نوستالژی را نیز بی ارتباط با گذشته و چیزهایی که از دست رفته، قلمداد کرد و آن را نمی توان بی پوشاندن طیلسان حس دلتنگی و حسرت گذشته های شیرین و شور و اشتیاق بازگشت به عالم ماورا، بالاخص دوران کودکی وعشق، بی گسست انگاشت.

بررسی های صورت گرفته، نشانگر آن است که یکی از اصطلاحاتی که به شکل دهی ادبیات منجنر گردیده، "نوستالژی" مسمی شده است و این یکی از اصطلاحاتی است مربوط به روان شناسی! یعنی این اصطلاح بدواً در حوزهٔ روان پزشکی ابداع و بعداً وارد قلمرو ادبیات شده است.

اصطلاح یاد شده به قول دکتور مهدی شریفیان و شریف تیموری "به طور کلی رفتاری ناخود آگاه است که در شاعر و یا نویسنده بروز می کند و متجلی می گردد." و به قول استاد شفیعی کدکنی، "این مقوله بیشتر در اشعار شاعران فارسی تجلی دارد، اما در شعر معاصر به دلایلی، از جمله اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و نیز تغییر زندگی انسان ها انعکاس ویژه یی دارد. »رویکرد های نوستالژیک در شعر م.سرشک« شریفیان و تیموری در مقدمهٔ "کاووش نامهٔ زبان و ادبیات فارسی" بررسی های مبسوطی انجام داده اند که به قول آنها موجب بروز عوامل و انگیزه هایی به ترتیب آتی می گردد:

- " از دست دادن اعضای خانواده یا عزیزی که باعث گریستن و مرثیه خواندن می شود.
(این عامل خود یکی از عوامل احساس غربت است.)
- حبس و تبعید،
- حسرت بر گذشته که عامل گله و شکایت از اوضاع زمان می گردد. این مسأله ناشی از آن است که شاعر در دورهٔ پیشین در شادکامی می زیسته است.
- مهاجرت،
- یاد آوری خاطرات دوران کودکی و جوانی و...،
- غم و درد پیری و اندیشیدن به مرگ،
و سایر مواردی که جنبهٔ روحی و روانی دارد."

طوری که می دانیم شرایط گوناگون و اوضاع نا به سامان حاکم در چند دههٔ اخیر در کشور، باعث شده اکثر مواردی که دکتر شریفیان و تیموری بدان پرداخته اند، در خلق نوستالژی در روان مردم بالاخص سخنوران و عامهٔ قلمداران اثر بیافرینند. از آن جمله است مهاجرت، پدیده یی که عوامل مختلفی چون جنگ، بی امنی، فقر وغیره در تکوین آن نقش بازی می کنند.

فلهذا وقتی که به سروده های اکثر شاعران معاصر نظر بیفگنیم، روح شِکوه و گلایه از وضعیت ناگوار حاکم در اجتماع به وضوح پدیدار می شود. شکوه از غربت، شکوه از دوری زادگاه، شکوه از یاران و دوری دوستان، شکوه از فراق بستگان، آنهم به صورت عمده در ایام خاصی چون اعیاد اسلامی (عید سعید فطر و عید سعید قربان)، مراسم ملی و تحویل سال و فرا رسیدن فصل بهار، همچنان حوادث تلخ و ناگواری همچون مرگ عزیزان و مصاب شدن به بیماری های مزمن و از پای فگن و مشاهدهٔ آثار تلخ و فرهنگ ناسازگار محیط غربت، برهم خوردن روابط خانوادگی و گسستن شیرازه های زندگی و...، برای پناهندگان و تغییر خُلق و خوی و حرکات اعضای خانواده، یعنی شوهران با زنان و برعکس، عدم اطاعت اولاد از والدین و سایر بزرگان خانواده و کم رنگ شدن حس مهر و محبت و صفا و صمیمیت، چه در کشور و چه در محیط بیگانگان و غیره...، عواملی هستند که متاسفانه نسبت به روزگار طلایی پیشین، به صورت گسترده و چشمگیر، دگرگون و وارونه شده و باعث بروز حس دلتنگی و احساس تاثر و غم و اندوه و رنج فراوان گردیده است که اینها و امثال آن همه و به صورت کُل، منجر به شکل دادن نوستالژی می گردد.

این پدیده- همانگونه که علی سلیمی و فاروق نعمتی برآنند- "برای شاعرانی که احساس قوی تر دارند، بیشتر ظهور و بروز می کند." (مقایسهٔ تطبیقی نوستالژی در شعر شهریار و سید قطب)

یکی از شاعران نامداری که کوشیده است تا مفاهیم کلام وی با روح نوستالژی وفق و هماهنگی گسترده تری داشته باشد، استاد سخن خلیل الله خلیلی، شاعر نامدار زبان فارسی- دری است. آنکه او خود در یکی از شعرهایش از سردرد و احساس عمیق سروده بود:

ای دل! تو خون ببار که در دیده نم نماند
وی سینه! چاک شو که دگر جای غم نماند
ای چشم! خیره شو که به غمخانهٔ حیات
جز نقش اشک و خون زحوادث رقم نماند
ای گوش! راه سمع فرو بند کز جهان
حرفی به جز فسانهٔ رنج و الم نماند
ای روز! بر متاب که دیگر به چشم من
سیمای مهر و روشنی صبحدم نماند.

هرگاه به دیوان فاخر این استاد بلند آوازه و پخته کار، وا کاوی صورت گیرد، می توان نمونه های فراوانی را به مشاهده نشست که موصوف با آفرینش آثار ارجداری در صدد شده تا خود را از دلتنگی های ناشی از غربت و نا به سامانی ها و ناملایمات روزگار و رنج روحی، رهایی بخشد و اشتیاق وصول به آرمان شهر و سرزمین مألوفش و احیای آنچه از دست رفته، به تسلای خویش بپردازد.

دکتر رضا زاده شفق را باور براین است:

" اگر می دانستم روان مرا از نشاط زندگی دور و عواطف مرا از سرور و شادمانی مهجور نمی شمارید، می گفتم، گویا شعر خوب و دلنشین علاوه بر صمیمیت سهمی نیز از جهان غم و محنت لازم دارد."

به یقین می توان اذعان داشت که بخش اعظم دیوان شعری استاد، بهره از غم و محنت دارد. وجود این عناصر سبب شده که از قدرت نفوذ گسترده تری در دلها برخوردار شود و باعث ایجاد حسن همدردی برای همنوعان گردد.

مومی الیه، در مورد اندوه گستردهٔ حاکم بر زندگی استاد همچنان نگاشته است که: برای یافتن قریحهٔ اندوهگین خلیلی حتی اطلاع از سرگذشت های او که بستگی به سرگذشت های وطن و خانواده اش دارد، ضرور نیست و یکبار مطالعهٔ قصایدی مانند "عصیان شاعر"، رواق آوارگان" یا "غبارغم" این حقیقت تلخ را عیان می سازد." (دکتر رضا زاده شفق، تهران- ۵ تیرماه ۱۳۴۱ مندرج در صفحهٔ ۸۱۶ دیوان استاد خلیلی، چاپ عرفان)

دراین نوشتار، سعی به عمل می آوریم اشعار نوستالژیک استاد را - که وطن یا زادگاه و ناله های وی از فراق، بخش عمدهٔ آن را تشکیل می دهد- به بررسی گیریم. لهذا نوشتهٔ حاضر صرف به نوستالژی "غم غربت" اختصاص داده شده است.

همانگونه که سرور گویا اعتمادی در مقدمهٔ دیوان استاد اشاره کرده بود:" [استاد] به خاطر وطن خود عشق و غرور ملی دارد."

شاعری که به قول استاد فروزانفر: "دلی حساس و پرشور دارد و این دل پرشور و هیجان گاهی در صورت کلی تر یعنی دلبستگی به روابط انسانیت و یا جهان اسلام و گاه در لباس عشق به وطن جلوه گرمی گردد."

(تقریظ استاد فروزانفر در دیوان استاد خلیلی، سال ۱۳۴۱)

دوری از وطن به معنای "غربت" است که از دیدگاه استاد ما سخت جانسوز است. بنابراین می توان گفت که غم غربت از حزن انگیزترین موتیف (درونمایهٔ) سروده های استاد خلیلی است. این حس در شعرهایی بیشتر قابل دریافت است که این سخنور توانا با درد و دریغ تمام می بیند وطنش در اثر اشغال به وسیلهٔ ارتش سرخ و حاکمیت مزدوران روسی، به اسارت درآمده و هیچ روزی نیست که مردم کشور، گروه گروه، آنهم صرف به گناه مسلمان بودن به پای دار های اعدام ویا پولیگون های آدمکشی، کوته قفلی ها و یا به پشت میله های زندان های وحشتناک فرستاده نشوند و هزاران و حتی میلیون ها انسان دیگر از همین آب و خاک راه نجات را تنها درآن می دیدند تا ترک دیار و یار کنند و با بُریدن از عزیزان شان، رنج جانفرسای رفتن به سرزمین های دیگران را به خود هموار سازند.

آری، زمانی که وطن زخم خوردهٔ ما به اشغال دشمن درآمد، استاد خلیلی ناگزیر بود در دیار غربت پناه ببرد. او وقتی که گزارش های دردناک جنایات سران کمونیست (خلق و پرچم)، در تبانی با ارتش سرخ را در سرزمین محبوب خود می شنید، قلب خونینش به زخم ناسور تبدیل و روان او دچار دگرگونی شدید تر می گردید. ویژه آنگاه که قاصدی برای ارائه اخبار دلخراش از وطنش نظیر رسیدن پیکی از شهرک "استالف" می رسید. قاصدی که نامهٔ آغشته با خون عزیزان را در بغل داشت و حین ارائهٔ رویداد های خونین به ویژه استالف زیبا؛

"بود از سیلاب اشکش ابر نیسان برمژه
بودش از خونابهٔ دل جوش توفان در بغل
جای آثار تبسم وحشت مرگش به لب
جای گلهای امیدش خار حرمان در بغل..."

اما استاد هر جمله یی را که از پیک می شنید، تنور سینه اش از غم شعله تر می شد و درحالی که زار زار می گریست، مشتاق تر بود تا سخنانی از این نهج را بیشتر بنیوشد و او با شنیدن سخنان غمبار و اخبار حالات درد بار وطن بموید و از درد و هجران افزون از هر زمان دیگر بخروشد.

و یا وقتی که پیک دیگری برای استاد خلیلی خبر می آورد و در لابلای سخنان غمبارش می افزود:

"بس که بمبارد شده روز و شب این شهر و دیار
بس که آلوده به سم گشته دراین کشور، یم
جای باران کرم مرگ فرو بارد ابر
جای آب از جگر چشمه تراود همه سم

ویا برایش حکایت می کرد که:

"می نبینید درآن مرز دلی را بی داغ
می نبینید یکی دیده درآن جا بی نم
دختران بینید بازو شده از شانه جدا
پسران بینید با تیغ زبان گشته قلم"

آنگاه مخاطب (استاد) با دل اندوهبار و گریه های درد اندود می گفت: من با شناختی که از این بی خدایان آدمکش قسی القلب و گرگ صفت دارم، می دانم اهداف خطرناک و شومی بر سر دارند و ارادهٔ آن ها در قبال این یورش وحشیانه و جنایت گسترانه چیز دیگری جز این نمی باشد:

"بدان سر است ابرقدرت خدا نشناس
که زیر پرچم وی خم شود جهان به تمام
چنان کند که ز خدمتگران دیر و حرم
نماند آنکه ز دین خدای گیرد نام
زمین بماند و جمعیتی خدا نشناس
جهان بماند و مشتی سفیه کالانعام ."

(در شمارهٔ آینده)

امتحان ورودی به دانشگاه ها...

به پیش برده می شوند؛ اما تعدادی از این موسسات از چنین کیفیت برخورد دار نیست و دانشجویان با کمترین نمرات به این موسسات خصوصی جذب می گردند.

از سوی دیگر در تعدادی از این موسسات خصوصی معیار پیروزی کاهش یافته و گویا آنها در بدل پول معین دانشجویان را ارتقاء می دهند و در فرجام سند لیسانس و بالاتر از آن را به دست می آوردند. یکی از دشواریِ های دولت وحدت ملی مشکل جوانان و آموزش آنها است. باید تحصیلات عالی بر اساس نیاز سنجی و مطابق نیازمندی جامعه و مارکیت کار سنجیده شود.

مشکل دیگر جوانان کار شیوهٔ کانکور می باشد و مردم از تزویر جعل و عدم شفافیت در این پروسه ملی نگران اند. در بسیاری از ولایات شکایت ها بلند است، که گویا پرسش ها قبل ار روز امتحان فاش می گردد. یک چنین سخنان ناشی از جو سیاسی کشور است.

دغدغه سلامت در اخذ امتحان سراسری ورود به دانشگاه های دولتی و نیمه عالی از پرسش های جدی هر جوان شامل امتحان کانکور است. هرچند بعضی حوزه های کانکور نظر به مداخلهٔ زورمندان و نقاط ضعف اخذ امتحان گاه گاه به تعویق انداخته می شود، به هر صورت ایجاب می کند که یک میکانیزم و کار شیوهٔ جدید در خصوص اخذ امتحان در نظر گرفته شود؛ زیرا این شیوهٔ امتحان بیش از نیم قرن در کشور جریان داشته و جوانان به اسرار صحت و سقم آن شاکی اند، هرچند کمیتهٔ امتحانات که مقر آن در وزارت تحصیلات عالی است و سخت گیری های مداوم را در خصوص امتحان دنبال می نمایند؛ اما افغانستان فقط شهر کابل نیست که تمام کاسه و کوزه بالای آن شکستانده شود. تغییر کار شیوهٔ امتحان از اولویت های کاری دولت وحدت ملی است، در غیر آن موجب یک بحران در میان جوانان خواهد گردید.

فقدان ارادهٔ سیاسی در مورد توزیع تذکره‌هایی برقی

عنایت

نزدیک به شش سال پیش زمانی که نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ جنجالی و خبرآفرین شد، اطلاع یافتیم که دولت جمهوری اسلامی افغانستان مصمم گردید، به منظور شناخت دقیق از آمار و ارقام رأی دهندگان و شناسایی نفوس مملکت برای عموم شهروندانش شناس‌نامهٔ برقی یا همان (تذکرهٔ الکترونیکی) را توزیع نماید. کارهای مقدماتی از تهیه بودجه، استخدام کارمندان، ایجاد سیستم های برقی... آماده شد و صرف باید کار عملاً آغاز می گردید. پس از کش و قوس های زیاد، مقامات در وزارت داخله به مردم وعده دادند که این روند در اول جدی سال جاری آغاز می یابد که متأسفانه چنین نشد. نورالحق علوم وزیر داخلهٔ حکومت وحدت ملی در نخستین روز آغاز به کارش به مردم نیز وعده سپرد که توزیع تذکره را می آغازد، اما با گذشت یک ماه خبری از این شروع میمون نیست.

شناس‌نامه یا کیستی و چیستی فرد

می خواهم عرض کنم که داشتن شناس نامه مدرک ابتدایی برای شناخت هر فرد در هر مملکت می باشد. زیرا تثبیت هویت هر شخص بستگی به این مدرک دارد. شناس‌نامه معرف چیستی فرد می باشد که به سوالات مهمی مانند که؟ از که؟ در کجا؟ و کی؟ به دنیا آمده است پاسخ می دهد.

مشخص شدن مدرک هویتی شهروندان جدا از مسایل فردی از تأثیر گذاری در ساختن برنامه ها و طرح های کلان مملکتی و حتی روابط و تعامل با کشورهای بیرونی برخوردار می باشد.

داشتن مدرک معرفت، حق شهروندی هر شهروند است و نمی شود هیچ کس را از آن محروم ساخت، جز در پناه قانون. از سوی هم وقتی فردی به سرزمینی تعلق دارد و شناسنامهٔ آن را در جیب داشته باشد و از حقوق و امتیاز آن برخوردار باشد، نوع حس غرور ملی و تعلق خاطر به وطن آبایی در آن زنده می شود و از زندگی خود لذت می برد. تجربه نشان داده است، در نبود سند تابعیت سرخوردگی و حس بی تعلقی در میان جوامع این چنینی زیاده دیده شده است. مهاجرانی که در کشور دومی زندگی می کنند و از حقوق شهروندی برخوردار نیستند، به مسایل مربوط به آن سرزمین مانند، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و تاریخ بی تفاوت هستند. همین جاست که خیلی ناهنجاری ها به وجود می آید و در نتیجه بحران اجتماعی به بار می آید.



ایجاد چالش در نبود شناس نامه

داشتن شناس نامه با این همه مسایل خوب و مهمی که در خود دارد، طی سالیان دراز به ویژه سال هایی اخیر از سوی دستگاه حاکمه در کشورما با بی اعتنایی و بی‌مهری رو برو شده است. این بازی به حدی پیچیده شده است که تا هنوز امیدی برای توزیع آن دیده نمی شود. بی اعتنایی در توزیع شناس نامه ها انتخابات سال ۱۳۹۳ خورشیدی را نیز مانند انتخابات ۱۳۸۸ جنجالی نمود. این جنجال از آن جا ناشی گردید که برخی از مناطق و ولایات سه برابر نفوس شان از برگه های رأی دهی استفاده نمودند.

اگر توزیع تذکره‌های الکترونیکی پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری به اتمام می‌رسید و افراد واجد شرایط رأی‌دهی با در دست داشتن تذکره‌های الکترونیکی به پای صندوق‌های رأی می‌رفتند، بسیاری از چالش‌های که در روزها و ماه های پسا انتخابات به آن مواجه شدیم هرگز وجود نمی داشت.

روی هم رفته در حکومت های دو دورهٔ آقای کرزی به هر دلیلی که بود این کار صورت نگرفت، اکنون خواهش مردم به ویژه آنانی که در مسایل مهم دولت داری، شهروند محور فکر می کنند، این است که روند توزیع تذکره های الکترونیکی سرعت یابد و مردم این سرزمین از این حق مدنی شان درست حسابی استفاده کنند.

چند پرسش از سوی مردم در همین مورد

مردم حق دارند بپرسند که در نبود شناس‌نامه های برقی افراد اجنبی و قبایل دو سوی خط دیورند می توانند پروسه های ملی ما را سمت و سو بخشند.

اگر بانک اطلاعاتی فعال گردد و سیستم رأی دهی و رأی گیری مدرن و شهروند محور شود، سوء استفاده‌ها و رذالت هایی که خصیصهٔ افراد سودجو است، به حد اقل می رسد و مردم نتایج رأی خود را می بینند.

علی رغم این همه سوالات اکنون که از عمر حکومت وحدت ملی ۵ ماه سپری می شود تا هنوز از شروع این پروسه خبری نیست.

خیلی ها بر این باورند هستند که ارادهٔ سیاسی برای توزیع تذکره‌های الکترونیکی وجود ندارد در حالی که تمام کارهای مقدماتی و اداری از قبل آماده است. در صورتی‌که چنین باشد و ارادهٔ سیاسی وجود نداشته باشد، انتخابات مجلس نمایندگان و شوراهایی ولسوالی ها را که پیش‌رو داریم مانند دو انتخابات گذشته به چالش مواجه می گردد.

پرسش خیلی جدی که واقعاً به آن مواجه هستیم این است که چرا دولت پیشین این کار را انجام نداد و چرا دولت فعلی از آن طفره می رود؟

آیا واقعاً ترسی در کار است یا نفع و ضرری را در پی دارد؟ آنچه مربوط به مسایل نفع است در بالا به موارد مهم آن اشاره کردم، اما زیان توزیع تذکره در کجاست؟ در صورتی‌که شهروند افغانستان از حق طبیعی و مدنی خود بتواند استفاده کنند، سیاستمداران به چه دلیل آن را به زیان خود تعبیر می کنند؟.

گفتمان غالب در توزیع تذکره چیست؟

از آن جایی‌که باور دارم متأسفانه گفتمان غالب در مسایل ملی بر محور قوم، سمت و مذهب می چرخد. عدهٔ را باور این است، در صورتی‌که توزیع تذکره های الکترونیکی تعمیم یابد، پای برخی ها در گل می ماند و همان داعیهٔ همیشه‌گی شان خط خط می شود. بنا برآن سعی دارند، تا این روند برای چند صباح دیگر به تأخیر بیافتد. برخی ها می گویند درج محتوا در تذکرهٔ الکترونیکی از موارد دیگری است که برای عدهٔ قابل قبول نیست و می خواهند خواسته های قومی را به مسایل مربوط به هویت سایر شهروندان غلبه بدهند. برای همین هم است که مشکل آفرین شده و پروسهٔ توزیع تذکره با گذشت هر روز به تأخیر می افتد.

مداخله کشورهای همسایه

درعین حال خیلی ها معتقد هستند که برخی از کشورهایی همسایه، از جمله پاکستان بنا به اهدافی که دارد در توزیع تذکره مداخله می کند و نمی گذارد مردم ما صاحب کارت هویت شوند. پیچیده‌گی هایی اتنیکی و خویش پسندی های مردمان ماورای مرز به نگرانی ها در این مورد دامن زده است. بیم آن وجود دارد که خیلی از شهرندان کشورهای بیرونی شناس نامهٔ افغانستان را به آسانی بگیرند.

چه تعداد از نفوس کشور شناس نامه دارد؟

در حال حاضر چه تعدادی از شهروندان افغانستان شناس نامه دارند؟ آمارهای ابتدایی نشان می دهد که افغانستان در حدود ۳۵ میلیون نفوس دارد و از این جمله تنها ۱۴ میلیون تن آنان دارای تذکره شهروندی هستند. دیده شود اگر ارادهٔ سیاسی بخواهد این روند به زودی آغاز می گردد در غیر آن ....

امتحان ورودی به دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی

هارون

در سال ۱۳۹۳ در حدودی ۳ صد هزار داوطلب کانکور به دانشگاه های دولتی و موسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی به رقابت پرداختند و قرار است در حدود ۵۴۵۸۶ تن به دانشگاه ها و موسسات عالی دولتی و در حدودی ۳۶۷۵۰ تن در موسسات نیمه عالی (انستیتوت ها، تربیه معلم، دارالعلوم ها، نیمه عالی صحی باروری، زراعتی و موسسات حرفه یی) جذب گردند.

بزرگ ترین جذب را دانشگاه های کابل دارد. داوطلبان تلاش دارند تا به این دانشگاه ها راه پیدا نمایند. دانشگاه کابل قدرت جذب ۴۷۴۵، پولی تخنیک ۱۲۶۵، طب کابل ۵۴۰ و پوهنتون شهید استاد ربانی ۱۹۰۰ تن را دارا می باشند. ظرف سال های اخیر تعدادی دانشگاه ها و موسسات عالی و نیمه عالی دولتی در کشور یک رشد کمی را نشان می دهد؛ طوریکه در سطح کشور ۲۴ پوهنتون دولتی و ۹ موسسهٔ تحصیلات عالی وجود دارد و در تمام ولایات کشور یک چنین موسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی وجود دارد. به همین تناسب مدارس دینی، مکاتب تخنیکی و حرفه یی و لیسه های عمومی رشد کمی زیاد داشته و علاقه مندی نسل جوان کشور به آموزش و پرورش بیشتر گردیده است.

علاقه مندی ورود به دانشگاه های معتبر دولتی بالاتر از حد



انتظار بوده و جوانان به انواع ذرایع تلاش می ورزند، تا به این دانشگاه های معتبر دولتی راه یابند و در صورت راه یافتن به این دانشگاه ها خود را سرفراز خواهند یافت. ایجاب می نمود، که ظرفیت دانشگاه های مرکز و برخی از ولایات بالا برده می شد؛ اما در بعضی از پوهنتون ها جذب دانشجویان در یک حد معین محدود نگه داشته شده است.

هر چند در دانشگاه های مرکز و ولایات تعمیر و درس خانه های جدید و وسایل مدرن ساخته شده، اما جوابگوی نیازمندی های داوطلبان را مرفوع ساخته نمی تواند. دانشگاه کابل ظرفیت بالاتر از ۲۰هزار دانشجو را در صورتیکه به آن پرداخته شود، دارا می باشد، به همین گونه دانشگاه های دیگر.

در بعضی از پوهنتون های افغانستان دانشکده ها و دیپارتمنت های جدید؛ مانند: کمپیوتر ساینس، اداره و منجمنت، محیط زیست، پالسی عامه و غیره ایجاد گردیده است؛ اما تقاضا به حدی است، که ایجاد این چنین مرکز های علمی کمتر محسوس می باشد.

در جمع دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی، موسسات تحصیلات عالی خصوصی و نیمه عالی خصوصی، نظر به مفاد قانون اساسی به فعالیت آغاز نموده و تعدادی از جوانان را، که نتوانسته اند به موسسات دولتی راه یابند، در خود جذب نموده است. تعدادی از این موسسات عالی خصوصی دارای یک سلسله معیار های اکادمیک بوده و امور تدریس آن به وسیله کادر های جوان

ص۵

مروری بر برخی حوادث مهم امنیتی

■ فیض

۲۸دلو:

* در نتیجهٔ حملهٔ مهاجمان مسلح بر مقر فرماندهی پولیس ولایت لوگر، ده پولیس شهید و هشت تن دیگر زخم برداشته اند. این رویداد حوالی ساعت دوازده چاشت امروز، در طعام خانهٔ فرماندهی پولیس در شهر پل علم مرکز ولایت لوگر رخ داده است. سخنگوی سرپرست ولایت لوگر با تایید این رویداد گفته است که، دو مهاجم انتحاری خود را در دروازه های ورودی فرماندهی پولیس منفجر کردند و مهاجم دیگر خود را در سالون غذاخوری رساند. به گفتهٔ وی، چهارمین مهاجم انتحاری خود را در داخل سالون غذا خوری منفجر کرد، که در نتیجه، ده سرباز پلیس شهید شدند و هشت تن دیگر زخم برداشته اند.

* مسوولان محلی ولایت کندهار به رسانه ها گفته اند که شش پولیس در جریان درگیری با طالبان مسلح در این ولایت شهید شده اند. سخنگوی سرپرست ولایت کندهار گفته است که، این درگیری اواخر دیروز در ولسوالی میوند رخ داده است. در منطقه فرنگ ولسوالی میوند، که در نزدیک دو راهی لشکرگاه واقع است، میان مخالفان مسلح و نیرو های امنیتی درگیری شد، که در نتیجه آن شش تن از نیرو های امنیتی شهید شده اند. به گفتهٔ وی، در این درگیری به مخالفان مسلح دولت نیز تلفات وارد شده است.

* بقول رسانه ها، مقام های امنیتی ولایت سرپل از کشته و زخمی شدن ۱۰ طالب مسلح در مناطق جنگی این ولایت خبر می دهند. در این درگیری ها هشت تن از افراد طالبان به قتل رسیده و دو فرماندهٔ شان نیز به شدت زخم برداشته اند. گفته می شود که این افراد در جریان عملیاتی که به هدف پاکسازی مناطق اشغال شده توسط طالبان در روزهای گذشته از سوی نیروهای مشترک امنیتی که در ساحهٔ شیرم ها در مرکز این ولایت راه اندازی شده بود، کشته و زخمی شده اند. سیدنقیب الله سادات آمر عملیات فرماندهی امنیه ولایت سرپل به رسانه ها گفته که در این عملیات در کنار نیروهای امنیتی نیروهای خیزش مردمی نیز اشتراک دارند. به گفتهٔ وی؛ دو تن از افراد مهم مخالفان به نام های زرقابی و محمد داوود مشهور به□ویس□ در این عملیات زخمی شده اند که هردو از باشندگان ساحهٔ قیس قلعهٔ ولسوالی صیاد این ولایت هستند. به گفتهٔ وی، در این عملیات یک سرباز ارتش ملی و یکی از سربازان خیزش های مردمی نیز به شهادت رسیده و سه سرباز ارتش و پولیس ملی زخمی شده اند.

* بامداد امروز حوالی ساعت ۷:۱۰ دقیقه یک انفجار در بخش‌هایی از حوزهٔ نهم شهر کابل در منطقهٔ مکروریان رخ داد. معاون سخنگوی وزارت امور داخله در این باره به رسانه ها گفته است که این رویداد ناشی از انفجار یک ماین مغناطیسی در نزدیک بازار مکروریان سوم بوده است. به گفتهٔ وی، این ماین در یک موتر غیر نظامیان جاسازی شده بود که خوشبختانه انفجار آن تلفاتی را در پی نداشت.

دلو:

* در اعلامیهٔ قوماندانی امنیهٔ کابل آمده است، حوالی ساعت ۱۰ شب گذشته در نتیجهٔ انفجار یک ماین بالای واسطهٔ نوع سراچه افراد ملکی در مربوطات ولسوالی قره باغ ۴ فرد ملکی کشته شدند و یکتن دیگر مجروح شده است. در میان کشته شده گان ۲ خانم و یک مرد اعضای یک فامیل هستند که می خواستند خانم حامله را از غوربند به کابل انتقال دهند. دراین رویداد رانندهٔ واسطه نیز کشته شده و پسر این فامیل جراحت برداشته است. گفته شده، مواد انفجاری به گونه ماین اعیار گردیده بود.

۲حوت:

بنا به گزارش رسانه ها، طالبان مسلح در ولایت فاریاب پس از ربودن یکی از کارمندان یک موسسهٔ هماهنگ کنندهٔ کمک های انسانی به نام موسسه (C.H.A) از اطراف ولسوالی قیصار این ولایت، این کارمند را به شکل بسیار فجیع به قتل رسانده و جسدش را در ناحیهٔ تیمور کپرک این ولسوالی رها کردند. ولسوال قیصار گفته است که این کارمند از ساحهٔ جمعه بازار این ولایت ربوده شده بود که صبح روز جمعه، جسدش از ساحه تیمورکپرک که در مسیر ولسوالی های قیصار و المار موقعیت دارد، پیدا شده است.

* به قول رسانه ها، پولیس کابل در جریان دو هفتهٔ گذشته ۱۵۲ تن را در پیوند به ۹۰ واقعهٔ جرمی در نواحی مختلف شهر بازداشت کرده است. قتل، آدم ربایی، دزدی، حمل سلاح غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر، مشروبات الکولی و فحشا از جرم های است که مجرمان به اتهام آنها بازداشت شده اند.

۳حوت:

به قول رسانه ها، فرماندهٔ پولیس ولایت لوگر از بازداشت ۱۴ پولیس در پیوند به حملهٔ تروریستی ۲۸ دلو، بالای این فرماندهی خبر می دهد. فرماندهٔ پولیس لوگر در این باره گفته است که این ۱۴ تن در پیوند به حملهٔ تروریستی بالای این فرماندهی بازداشت و پرونده های آنان به دادستانی فرستاده شده است. به گفتهٔ وی، برخی از این منسوبین پولیس متهم به دست داشتن در این حملهٔ تروریستی بوده و جرم تعداد دیگری از آنان غفلت در وظیفه است.

* پولیس ولایت هرات گفته است که سر دستهٔ یک باند مخالف دولت را کشته و ۲ تن دیگر از نزدیکانش را دستگیر کرده است. این رویداد از نیمه شب گذشته تا بامداد امروز در قالب یک عملیات پاکسازی در ولسوالی انجیل ولایت هرات صورت گرفته است. سخنگوی پولیس ولایت هرات به رسانه ها گفته است که، این فرماندهٔ طالبان به نام قاری سمیع بود که یکی از سران طالبان ولسوالی انجیل ولایت هرات به شمار می رفت. به گفتهٔ وی؛ در این درگیری، وی کشته و دو تن دیگر از همراهان نزدیکش با دو جنگ افزار دستگیر شده اند. این درگیری پس از آن آغاز شده است که شب گذشته این باند مخالفان دولت، سه تن از افراد ملکی را بعد از اذیت، زخمی کرده بودند.

۵حوت:

* یک حمله کنندهٔ انتحاری بامداد امروز در نتیجهٔ انفجار مواد همراهش در شهر کابل، کشته شده است. سخنگوی فرماندهی پولیس کابل به رسانه ها گفته است که، این انفجار تلفاتی را در پی نداشته است. وی تصریح نموده است که این حمله هنگامی در جادهٔ بختیاران ولسوالی ده سبز شهر کابل رخ داد که یک انتحار کننده سوار بر یک موتر باربری پر از مواد انفجاری به هشدار توقف پولیس گوش نداد و مواد انفجاری همراهش را انفجار داد.

* به گزارش رسانه ها، افراد مسلح ناشناس ۳۰ تن از سرنشینان دو بس را در شاهراه کابل- کندهار ربوده اند. گفته می شود که ربوده شدگان مهاجرانی بودند که از ایران به افغانستان باز می گشتند. مسوولان محلی گفته اند که این مسافران با دو بس مسافربری به طرف کابل در حرکت بودند که ناوقت دیروز، در راه ولسوالی شاه جوی زابل به چنگ افراد ناشناس افتادند. به گفتهٔ ولسوال شاه جوی زابل، گزارش‌های ابتدایی نشان می دهد که رابیندگان لباس سیاه بر تن داشته اند و نقاب به صورت زده بودند. مردم محل گفته اند افراد نقاب پوش با زبانی صحبت می کردند که برای آنها ناشناس بوده است.

۷حوت:

* به گزارش رسانه ها، در حملهٔ انتحاری امروز در شهر کابل، دو تن کشته شدند و یک موتر مربوط به اتباع ترکیه نیز از بین رفته است. قوماندان امنیهٔ کابل در محل حادثه به خبرنگاران گفت، یک تبعهٔ ترکیه و یک فرد ملکی افغان شامل کشته شده ها هستند. این حمله توسط یک موتر نوع کرولا مملو از مواد انفجاری، حدود ساعت ۸:۱۵ صبح در نزدیک سفارت ایران، کاروان موترهای اتباع ترکی را هدف قرار داد.

د مصر او روسيې...

سياسي اړيکې ټينګې کړي نو له يوې خوا به د امريکا او سعودي نوي واکمن ته د باج ورکولو څخه خلاص شي او له بلې خوا به يې امريکا ته يو فشار ورکړی اوسي؛ چې د مصر سره بايد خپلې پوځې مرستې قطع نکړي. او هم پوتين پدې سره غواړي امريکاته وښايي چې روسيه د انزوا پرځای په نړيوال سياست کې هم. د برلاسي په لور حرکت کوي؛ ځکه خو يې مصر ته د سفر پرمهال د السيسي سره د اتومي انرژۍ د توليدولو لپاره د مرستو ورکولو يو تړون لاسليک کړ چې؛ د روسيې په مرسته به په مصر کې د اتومي انرژۍ د توليد لومړنی دستګاه جوړه کړي او هم به په ګډه سره د ترهګرۍ (؟) د وړيښو ګواښونو په وړاندې مبارزه وکړي. چې دا مهال دواړه هيوادونو ورسره مخ دي.

خو په حقيقت کې څومره چې مصر د ترهګرۍ (؟) د ګواښ سره مخ دی، په هغه کچه دغه ګواښ روسيې ته متوجه ندی او نه مصر د روسيې سره کومه مرسته کولای شي که د امريکا او روسيې د اړيکو ترينګوالی د جګړې په پوله ودريږي نو کېدای شي د اوکراين په ګټه د چېچنيايي مسلمانانو سره د امريکا مرستې بيا آغاز شي، کومې چې افغانستان ته د امريکا په راتګ باندې د روسيې پته خوله پاتې کېدلو په نيت روسيې ته ديو رشوت ورکولو په توګه امريکا بندې کړې وې او چيچنيايي ولس يې بې يا راومدد ګار پرېښې وو.

همدارنګه د مصر دغه اقدام د سعودي نوي واکمن ته هم يو زنګ دی چې بايد د مصر له واکمن رژيم سره اړيکې خرابې نکړي؛ ځکه په نړيوال سياست کې روسيه د ايران پلوي ده؛ هغه هيواد چې تل د سعودي لپاره يو ګواښ دی او په يمن کې د حوثي شيعه ډلې لخوا د امريکا او سعودي واکمنانو په اشاره رامينځته شوي حکومت ړنګول بل ګواښ دی. چې له يوې خوا سعودي ته د خطر زنګ دی او له بلې خوا د مصر لپاره روسيې ته د لاس غځولو ډاډ وربخښي

په ليبيا کې د يوويشت عيسايي مصريانو د داعش ډلې لخوا سرونه پرېکول، که له يوې خوا ورسره دا انګيرنه کېږي چې ښايي داعش پدې سره مصر ته درس ورکول غواړي؛ چې روسيه د مسلمانانو د يو دښمن په توګه پېژندلو حقيقت څخه بايد سترګې پټې نکړي، نو له بلې خوا د مصر نوي حکومت لپاره يوه ستره ننګونه ده. چې له همدې امله مصري الوتکو په ليبيا کې د داعش مرکزونه بمبار کړل، کوم کار چې د ليبيا حکومت ته هم ننګونه ده؛ ځکه د مصري حکومت لخوا دغه بمباري د ليبيا د ملي حاکميت نقض دی. چې د نړيوالو اصولو يو مخالف عمل دی کله څه هم دغه کار اردن هم د داعش لخوا د خپل پيلوټ ژوندي سوځولو په ځواب کې ترسره کړی وو او هغه مهال يې په اړه اردن په رسنيو کې د پوښتنې لاندې و نه نيول شو خو د مصر لخوا ورته عمل تر سره کېدل د هيوادونو د ملي حاکميت د نقض موضوع را اوچتوي؛ کوم کار چې د نړيوال امنيت لپاره ستر ګواښ ګرځيدلی شي او لدې وروسته ښايي د هيوادونو پولې ورځ تر بلې نورې هم نا امنې شي چې له همدې امله د مصر استازي د امنيت په شورا کې په ليبيا کې د داعش د مرکزونو د بمبارولو غوښتنه هم کړې ده.

تفاوت میان علم و...

حکم اخلاقی صادر کنیم و مثلاً بگوئیم مثلث متساوی الساقین درست تر و از نظر اخلاقی بهتر از مثلث متساوی الاضلاع است.

نباید اخلاقیات، کذب و صدق را ملاک ارزیابی ادبیات بدانیم. بسیاری به این باور اند که هدف از ادبیات تربیت اخلاقی، پند و موعظه نیست. در حالی که بسیاری ها به ویژه اصحاب تدین موعظه های اخلاقی و دینی را از وظایف شعر و ادبیات می دانند. اما سخن ارجح این است که در هر حالت شعرهایی که در موعظه های دینی و اخلاقی سروده شده است باید بر پایهٔ احساس و عاطفه استوار باشد. از همین رو است که شعر و ادبیات، شعار و تبلیغات سیاسی و اجتماعی بوده نمی تواند.

چیزی که طرفداران هنر برای هنر بر آن تاکید می ورزند، شعر و ساحت پرداخت آن را از این مقولات تهی ساخته اند. از نظر آن ها شعر و ادبیات باید احساس تولید نمایند و در کُل زیبایی خلاق نمایند. حال به این پرسش می پردازیم که آیا شعر و ادبیات از اهداف اجتماعی و بسا ارزش های اخلاقی که حاکم بر جامعه است، تهی می باشد؟ به سخن دیگر آیا سخن پردازان و اهل·قلم باید در برج های عاج بنشینند و از کاخ های خود به سوی مردم بنگرند، شاعر و نویسنده دور از دانش های جامعه زنده گی کنند؟

حرف دقیق این است که ارزش های اصلی در ادبیات ارزش های ویژهٔ حسی است. افزون بر این شایسته است که آثار ادبی پیوند استوار و محکم با جامعه و ارزش اجتماعی، دینی و اخلاقی آن داشته باشد. در شعر و ادبیات از نظر موضوع ارزش های عام انسانی نیز مطرح می باشد. در صورت رعایت نمودن این ارزش ها، آثار ادبی برای کل جامعهٔ بشری دارای ارزش و اعتبار ویژه می باشد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۴۴ ۹ حوت ۱۳۹۳ ۹ جمادی الاول ۱۴۳۶ 28 February 2015

د مصر او روسيې يو بل ته نږديوالی



□ رفيق بحر

د مصر او روسيې اړيکې پدې ورځو کې يو سل او اتيا درجې بدلون موندلی دی، پداسې حال کې چې مصر د څلور ـ پنځو لسيزو راهيسې د امريکا سره ډېرې نږدې اړيکې لرې او تر دا مهاله د مصري پوځ اړتيا وې د کال ۱۳ مليارده ډالرو په ورکولو سره امريکا پوره کوي؛ پخپله د عبدالفتاح السيسي واکمني هم د امريکا په اشاره او د سعودي عربستان او متحده عربي اماراتو لخوا په مالي ملاتړ رامينځته شوې، چې پدې لړ کې د سعودي عربستان د پخواني پاچا (عبدالله) د دفتر رئيس (التويجري) ستر رول لوبولی وو؛ هغه چې د مرسي د ولسواکۍ حکومت پرځولو لپاره يې د سعودي واکمن ذهن برابرکړی وو خو د شهزاده سليمان بن عبدالعزيز واک ته له رسيدلو سره سم نوموړی له همدغه ستر خيانت لامله د پاچا د دفتر د رياست له مقام څخه لېرې کړای شو او د سعودي نوي واکمنان پدې پوه شو چې د مرسي د قانونی حکومت په ړنګولو سره يې د مصر ولس او د الاخوان المسلمون د ګوند سره ستره جفاء کړېده.

خو اوس او به له ورخه تېرې شوي دي او هم په نړيواله کچه د امريکا او لويديځ غندل کېدل (چې د يو ولسواکه حکومت په ړنګولو کې يې لاس لرلو او لاتر اوسه پرې سترګې پټوي) امريکايان هم دې نتيجې ته رسولي چې بايد په السيسي فشار راوړي، څو د هغو ظلمونو لړۍ بنده کړي چې د اخواني قيادتونو په زنداني کولو سره يې جاري ساتلې ده او هم په نړيواله سطحه نور د امريکا اعتبار خراب نشي.

دغه کار د مصر ديکتاتور واکمن دې ته وهڅاوه چې د نوموړي له پاليسېو څخه د امريکا ملاتړ جاري ساتلو لپاره، له يوې بلې لیارې په امريکا فشار راوړي او هغه دا چې له روسيې سره د اړيکو مزي وغځوي او پدې سره امريکا وويروي. پدې ورځو کې پوتين هم د السيسي په څېر ورته حالت لري؛ ځکه د کريميا له اوکراين څخه په جلاکولو او ډونسک او لوهانسک کې د بېلتون خوښو روانو جګړو روسيه د نړيوال فشار لاندې راوستی ده او امريکا غواړي ورځ تر بلې روسيه د انزوا په لور بوځي او د اقتصادي کلابندۍ تر څنګه يې د نظامي فشار لاندې هم وساتي، چې پوتين دغه حقيقت ته څو ځلې په خپلو څرګندونو کې اشاره هم کړېده. نو ځکه مصر او روسيه دواړه غواړي چې د انورسادات د واکمنۍ له وروستېو ورځو راهيسې هغه دوه اړخېزو اړيکو ته بدلون ورکړي چې انور سادات د (کامپ ديويډ) د تړون په لاسليک کولو سره د روسيې سره د مصر لرلې اړيکې ترينګلې کړې او د فلسطيني ولس سره د جفاء تر سره کولو د بې ننګۍ هغه معاهده يې د اسرائيلو سره لاسليک کړه چې تر اوسه په عربي نړۍ کې د ضمير وېښو انسانانو په وړاندې د مصري حکومت په تندي يو تور داغ دی؛ لکه چې د مرسي حکومت د ړنګولو دسيسه د سعودي او متحده عربي اماراتو د واکمنانو په تندي تور داغ دی. او السيسي داسې انګېرې چې که له روسيې سره اقتصادي او

۷مخ

تأیید حق نظارت شوراهای ولایتی؛ از سوی کابینه!

□ شعیب

در خبرنامهٔ ۶ حوت ادارهٔ مستقل ارگانهای محلی آمده است که کابینه فیصله نموده است تا صلاحیت نظارتی شوراهای‌ولایتی طی فرمان‌تقنینی رئیس جمهور، دوباره واگذار گردد. و این صلاحیت، در یک مقررهٔ جداگانه، از سوی ادارهٔ مستقل ارگانهای محلی تدوین و تنظیم می شود.

در این خبرنامه، ادارهٔ مستقل ارگانهای محلی، فیصلهٔ کابینه را گام مهمی برای تقویت نهادهای نماینده‌گی مردم در سطح محلی خوانده است. سرپرست این اداره، ضمن ابراز امتنان از توجهٔ خاص رئیس جمهوری‌اسلامی افغانستان، رییس‌اجراییه و معاونین آنها درین مورد گفته است که، حکومت در قبال نهادینه شدن ارزش‌های مردم سالاری، تعهد خود را یک بار دیگر ثابت ساخت. " به نماینده‌گی از همه شوراهای ولایتی از توجهٔ خاص و حمایت سیاسی، رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، رئیس اجراییه و معاونین آنها در جهت واگذاری دوبارهٔ نقش‌نظارتی شوارهای‌ولایتی سپاس‌گزاری می نمایم. گامی مهمی برای تقویت نهادهای نماینده‌گی مردم و نهادینه شدن ارزش‌های مردم سالاری در افغانستان برداشته شد.)) ارگان های محلی بدین باور است که، ازین نقش برای شفافیت، حسابدهی و به وجود آوردن فرهنگ پاسخگویی به مردم استفاده صورت گیرد.

بعد از فیصلهٔ مجلس نماینده گان مبنی بر عدم تصویب کردن نقش‌نظارتی در قانون شوراهای‌ولایتی، اکثریت شوراهای ولایتی به رسم اعتراض دفاتر خود را مسدود نمودند و از حکومت خواستند که نقش نظارتی آنها طی فرمان تقنینی دوباره واگذار شود. در پی این اعتراض های مدنی و مسدود شدن برخی دفاتر شوراهای ولایتی، رئیس جمهور به ادارهٔ مستقل ارگانهای محلی دستور داد که اعمال صلاحیت نظارتی شوراهای ولایتی را در یک مقرره تنظیم نماید. حال با تنظیم مقرره و تأییدی کابینه، ادارهٔ ارگانهای محلی از شوراهای ولایتی که دفاتر شان را مسدود کرده اند می خواهد تا دفاتر شان را دوباره باز نمایند.

این کار رهبران حکومت وحدت ملی، کابینه و ادارهٔ ارگانهای محلی بود، با استفاده از خلای که مجلس نماینده گان به رخصتی زمستانی رفته بود، دست به چنین اقدامی زدند. اما دیده شود که مجلس نماینده گان چه واکنشی در این ارتباط خواهند داشت. گذشته از اینکه نقش نظارتی شوراهای ولایتی را حق آنها می دانیم، این پرسش بر انگیز است که آیا می شود هر قانونی را که پارلمان کشور تصویب نماید در نبود مجلس – رخصتی- کابینه فیصله نماید و رئیس جمهور با اصدار فرمان تقنینی بر گرداند؟

تعویق، کمیسیون اصلاحات انتخاباتی

■ خُرمی

یکی از چالش های انتخابات های گذشته، که بخشی آن بر می گردد به کمیسیون های انتخاباتی، قرار بود رئیس جمهور غنی در اخیر هفتهٔ که گذشت کمیسیونی را جهت آوردن إصلاحات در این کمیسیون ها طی فرمانی توظیف نماید تا به اینهمه سر و صداها نقطهٔ پایان دهد اما در این زمان تعیین شده هم همانند عقب مانی سایر امور، در تعیین این کمیسیون کاری صورت نگرفته و رئیس جمهوری فرمانی در این ارتباط صادر نه نموده است.

انجنیر عاصم عضو هیئت رایزنی کمیسیون اصلاحات نظام انتخاباتی گفته است: "تا هنوز آقای غنی کدام فرمانی را در راستای ایجاد این کمیسیون صادر نکرده؛ از همین رو، ایجاد این کمیسیون به تاخیر افتاده است." وی اظهار امیدواری کرده است که، صحبت های ابتدایی نشان می دهد که قرار است در روزهای نزدیک، کمیسیون اصلاحات نظام انتخاباتی با صدور فرمان تقنینی، عملاً ایجاد شود. هرگاه این کمیسیون تشکیل شود، مسوولیت دارد تا در قوانین انتخابات تعدیلات را به وجود آورد پس از تعدیلات در قوانین انتخابات، تغییرات جدی در ساختار کمیسیون های انتخاباتی رونما خواهد شد.

اما شماری از نهادهای انتخاباتی و آگاهان امور، از تاخیر در ایجاد کمیسیون اصلاحات نظام انتخاباتی به شدت ابراز نگرانی کرده و آن را عدم داشتن ارادهٔ سیاسی از سوی رهبران حکومت می دانند.

کمیسیون اصلاحات نظام انتخاباتی، نُه عضو خواهد داشت که از سوی ریاست جمهوری، ریاست اجرایی و فعالان جامعهٔ مدنی گزینش خواهد شد و این کمیسیون تعدیلات جدی را در قوانین انتخابات و رهبری کمیسیون های انتخاباتی به وجود خواهد آورد.

کمیسیون های انتخاباتی، چالش های سر راه انتخابات های گذشته را در نبود امنیت کامل، نبود تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی، ثبت نام نشدن رای دهنده گان، نبود احصائیهٔ واقعی و وجود زورمندان وانمود می کنند و آنچه عملکرد های مربوط شان می باشد، قانونی و مشروع می دانند. اما برخی نهادهای انتخاباتی و تیم مربوط به ریاست اجرائیه و برخی آگاهان امور، گفته های کمیسیون های انتخاباتی را، برائت دادن این کمیسیون ها عنوان می کنند و خواهان آنند تا اصلاحات بنیادی به میان آید.

حال همه منتظر تشکیل کمیسیون نه نفری از سوی رئیس جمهور اند تا دیده شود بعد از تشکیل و شروع به کار، چی خواهند کرد و چی تغییرات در هیئت رهبری کمیسیون و همچنان تعدیل در قوانین انتخابات خواهند آورد؟

این در حالیست که قرار بود در ماه ثور ۱۳۹۴، أفغانستان بسوی برگزاری انتخابات مجلس نماینده گان و شوراهای ولسوالی ها برود که بگو مگو ها بر سر آوردن إصلاحات انتخاباتی در به تعقیب انداختن این پروسهٔ ملی اثر گذاشته است و از سوی دیگر اتحادیهٔ اروپا که تمویل کنندهٔ بخش مالی کمیسیون انتخابات می باشد، هشدار داده است تا إصلاحات بنیادی در کمیسیون های انتخاباتی آورده نشود، مساعدت مالی نمی کند.



چو ایستاده ای دست افتاده گیر!